



دین محمد جاوید

# دین افغانستان تاریخ هنر عکاسی

بنیاد اندیشه  
تاسیس ۹۱

هنر عکاسی در افغانستان اوایل قرن بیستم شروع شد، باید گفت هنر عکاسی امتیازی بود که فقط درباریان از آن بهره‌مند بودند. به همین دلیل هنر عکاسی از دربار شروع شد. نخستین عکاس امیر حبیب‌الله خان بود. حبیب‌الله علاقه زیادی به مظاهر دنیای جدید داشت؛ سینما، تلفن و عکاسی را به کابل آورد و علاقه ویژه به عکاسی داشت. عکاسی در زمان او رشد کرد و به مطبوعات راه یافت و مردم با عکس آشنا شدند. در زمان امیر حبیب‌الله خان عکاس ماهر مرحوم محمدایوب میرزاد بود (غرغنبت، ۱۳۴۵: ۳۰۸). «اولین عکاسخانه (استودیو) در جوار کوتی استور در باغ ارگ شاهی تأسیس و افتتاح گردید و به نام عکاسخانه شاهی مشهور شد. این شخص چندین نفر شاگرد ماهر را در رشته عکاسی تربیه کرد.» (همان: ۳۰۹). پدیده عکاسی همانند پدیده‌های اجتماعی در یک نقطه باقی نماند و در مرور زمان رشد بیشتر کرد و عکاسخانه‌های بسیاری در شهر سر برکشیدند. «عکاسخانه‌ها و استودیوهای کوچک و بزرگ عکاسی در گوشه کنار شهر کابل گشوده شد که از آن جمله عکاسخانه دُر محمد خان، عکاسخانه صاحب‌داد خان، عکاسخانه گل محمد خان، عکاسخانه نورمحمد خان در کابل قابل ذکر است.» (خلیلی، ۲۰۱۴: ۲۰).

علامه فیض محمد کاتب هزاره، مورخ نام‌دار کشور، در جلد چهار «سراج‌التواریخ» می‌گوید در اوایل سال ۱۹۰۹ میلادی امیر حبیب‌الله خان که به قول او به «لهو و لعب و سیر و شکار و ترک کار» مصروف بود، از هندوستان «هزاران رویه» را وسایل عکاسی خریداری کرده و قسمتی از ضلع شمالی ارگ شاهی را به استودیوی عکاسی تبدیل کرد... از این روز به بعد، کار اخذ عکس به روی روز آمده و رفته‌رفته تکمیل یافت و مبالغی صرف این کار شد. از بهای عکس اعیان بار و اهل کار و رؤسای کشوری و سرکردگان لشکری، مبلغ گزافی فراهم آمده، صرف ارامل و ایام گشت.» (کاتب، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

«امیر، گروهی از درباریان را با فنون عکاسی آشنا کرد تا کار شستن و روتوش عکس‌ها را انجام بدهند. این شاگردان بیشتر از اعضای دربار بودند؛ میر حسام‌الدین رسام، از سادات غزنی، نقاش معروف دربار که نقاشی دیواری می‌کشید، همراه با دو برادرش میر عبدالرئوف و سید جواد و نیز دو فردی از دربار به نام‌های امان‌بیگ شغنانی و محمدایوب خان ایلیخانی هزاره از اولین کسانی بودند که با فنون عکاسی آشنا شدند. امیر حبیب‌الله و شاگردانش ابتدا عکس شهزاده‌گان، سرداران، و اعیان را می‌گرفتند و آن‌ها را به صاحبان عکس فروخته و درآمد آن را صرف یتیم‌خانه‌ای می‌کرد که در سال ۱۹۱۱ تأسیس کرده بود.» (خلیلی، ۲۰۱۴: ۲۰).

### عکس و سراج‌الخبار

روزنامه سراج‌الخبار در گسترش عکاسی سهم مهمی را ایفا کرد. این روزنامه که در سال ۱۹۱۱ توسط محمود طرزی تأسیس شد، در سال اول نشراتش به صورت لیتوگرافی چاپ می‌شد و امکان چاپ عکس در آن وجود نداشت. از سال دوم که چاپ آن به صورت تیپوگرافی ادامه یافت، به چاپ عکس هم شروع کرد. امیر حبیب‌الله خان اکثر عکس‌هایی را که خود می‌گرفت در این جریده دولتی چاپ می‌کرد. در این رابطه

محترم دکتر عبدالغفور روان فرهادی می‌گوید: «فوتوگرافی از راه هند بریتانوی در عهد امیر حبیب‌الله خان (۱۹۰۱ م تا ۱۹۱۹) به افغانستان رسید و حتی علامه محمود طرزی در جریده سراج‌الخبار قبل از ۱۹۱۸ م، از راه تخنیک زنگوگرافی عکس‌ها را به چاپ رسانید، متخصصان ترکی عثمانی مقیم کابل، به وی مساعدت می‌کردند.» (قدرت، ۱۳۹۳: خ). «در کنار عکاسی اولین فیلم‌های سینمایی و دستگاه آن در زمان امیر حبیب‌الله برای سرگرمی حرم امیر به کابل آمد. اما اولین سینما در زمان شاه امان‌الله در حومه کابل به نمایش فیلم‌های سینمایی پرداخت.» (طنین، ۱۳۹۴: ۱۲۳). با «نشر سراج‌الخبار افغانیه دستگاه زنگوگرافی نیز از خارج وارد گردید و به کار انداخته شد و با نشر و پخش اخبار مذکور چشم مردم کابل به اهمیت عکس و عکاسی بیشتر آشنا شد. یک عده ذواتی که از عهده خرید دوربین و سامان و لوازم عکاسی به‌در شده می‌توانستند به طور شوقی در این رشته داخل فعالیت گردیدند که از جمله مرحوم سردار عنایت‌الله خان معین‌السلطنه و مرحوم سپه‌سالار شاه محمود خان غازی و مرحوم احمدشاه خان وزیر دربار را می‌توان یاد کرد.» (غرغنبت، ۱۳۴۵: ۳۰۹). «هم‌چنین روزنامه‌ها، جراید و مجلات مصور نیز در نهضت عکاسی سهم بارز داشته و برای جلب مشتری و تمثیل اخبار و واقعات غیر از این که از مؤسسات مربوط فوتوهای قابل نشر را به دست می‌آوردند، منسویین آن و نویسندگان نیز کوشش دارند تا دوربین با خود داشته و سوژه مضمون خود را معکوس گردانیده به چاپ برسانند.» (غرغنبت، ۱۳۹۰: ۳۰۹).

### برگزاری مسابقه عکاسی

در سال دوم سراج‌الخبار یک مسابقه عکاسی برگزار شد که بیشتر درباریان در آن شرکت کردند. در سال دوم روزنامه «سراج‌الخبار» در سال (۱۹۱۲) یک مسابقه عکاسی برگزار شده بود. نتیجه مسابقه در شماره دوم با چاپ دو عکس برنده اعلام شد. اولی عکسی است از باغ استالت در شمال کابل که توسط معین‌السلطنه سردار عنایت‌الله خان گرفته شده بود و دیگری عکسی از باغ سردار غلام‌حیدر خان در جلال‌آباد که توسط محمدشریف خان. در این مسابقه هر دو عکس «درجه اول» اعلام شده‌اند.

پس از قتل حبیب‌الله خان در سال ۱۹۱۹ م، در کله‌گوش لغمان و به قدرت رسیدن امان‌الله خان، هنر عکاسی گسترش یافت. امان‌الله خان در سفر اروپایی‌اش در سال ۱۹۲۷ در کنار عکس‌هایی که با ملکه ثریا و همراهانش گرفته داخل افغانستان روانه کرد و دیگر چیزهای مدرن که با خود به کابل آورد، وسایل عکاسی بود. پس از همان وقت هنر عکاسی در افغانستان گسترش یافت و در دربار عکاسان همیشه حضور داشتند. در زمان امیر امان‌الله خان عکس‌های زیادی از او در جمع مردم، با خانم ملکه ثریا، متعلمین مکتب، در تاریخ ثبت شده است که نشان‌دهنده رشد عکاسی در افغانستان است.

رشد عکاسی در زمان زمامداری حبیب‌الله کلکانی به صورت دقیق



«علامه فیض محمد کاتب هزاره، مورخ نام‌دار کشور، در جلد چهار «سراج‌التواریخ» می‌گوید در اوایل سال ۱۹۰۹ میلادی امیر حبیب‌الله خان که به قول او به «لهو و لعب و سیر و شکار و ترک کار» مصروف بود، از هندوستان «هزاران رویه» را وسایل عکاسی خریداری کرده و قسمتی از ضلع شمالی ارگ شاهی را به استودیوی عکاسی تبدیل کرد

معلوم نیست. عکس‌هایی از او و یارانش به صورت دسته‌جمعی و انفرادی در کتاب تصویری سیاه و سفید حقایق تاریخی از چشم انداز تصویر، به چاپ رسیده و این متن در پای عکسش چاپ شده است: (امیر حبیب‌الله خان کلکانی (۱۸۹۰-۱۹۲۹ م). پسر امین‌الله را نشان می‌دهد؛ که به مدت نُه ماه، از هفدهم جنوری تا سیزده اکتوبر ۱۹۲۹، در افغانستان سلطنت کرد). این عکس‌ها در سال ۱۹۲۹ در کابل گرفته شده است. همین‌طور «عکس‌های زیادی از دوران زمامداری او باقی نیست، ولی وجود عکس‌هایی از روز اعدام او نشان می‌دهد که عکاسان در آن دوران فعالیت داشته‌اند.» (گریگورین، ۱۳۸۹: ۳۴۲). عکس‌هایی که جسدهای آویخته از دار آن‌ها را نشان می‌دهند، همان روزها و یا روزهای بعد به مطبوعات روز به چاپ می‌رسند.

در متون تاریخی نیامده است که نادر خان در رابطه با هنر عکاسی چه احساسی داشته است، ولی عکس‌های زیادی در زمان او از اعیان و خود او وجود دارد. «مهم‌ترین عکسی که از او در دست است، از آخرین لحظه حیات او است. یک عکاس احتمالا افغان، از صحنه قتل نادرشاه به دست عبدالخالق خان، عکسی گرفته و آن را به انگلستان فرستاده و روزنامه‌های انگلیسی آن عکس را با هیاهوی زیاد به چاپ رساندند. روزنامه اخبار مصور لندن نوشته است که هنوز هیچ عکسی از لحظه قتل یک رهبر سیاسی گرفته نشده است. این عکس در نوع خود منحصر به فرد است. به غیر از آن، فقط از زمانی که در مادرید به کالسکه شاه و ملکه اسپانیا یک بمب دستی انداخته شد، عکسی وجود دارد که در سال ۱۹۰۶ در روزنامه‌ها به صورت وسیع منتشر شد.» (خلیلی

۲۷: ۲۰۱۴). همین‌طور عکسی از عبدالخالق خان، قاتل نادرشاه، در حالی که دستش در زنجیر است با یارانش در مطبوعات همان زمان به چاپ رسیده است که هنوز هم در دست‌رس مردم است. همان‌طور که گفته شد، عکس‌های زیادی از اعیان در همین دوره گرفته شده است. می‌توان عکس دسته‌جمعی رهبران نظامی هزاره را مثال آورد که با لباس نظامی در کابل گرفته شده است. در این عکس، فرقه‌مشر سعیداحمد خان شانور، فرقه‌مشر غلام‌نبی بیگ گلگ دره‌صوفی، فرقه‌مشر غلام‌نبی خان چپه شاخ، و چندین صاحب منصب دیگر را نشان می‌دهد.

ظاهرشاه ذوق خوبی در عکاسی داشت؛ عکسی که او از یک مجسمه شکسته گرفت، باعث شد که باستان‌شناسان فرانسه شهر (آی خانم) را کشف کنند که سال‌ها در پی آن به کاوشگری مشغول بودند. در زمان سلطنت ظاهرشاه، دو عکاس ماهر بودند که بیشتر برای حکومت کار می‌کردند. یکی صاحب‌داد، عکاس رسمی امان‌الله خان بود که از طرف وی به لندن فرستاده شده بود تا فن عکاسی را بیاموزد و دیگری مأمور محمدشاه بود.

### دوربین فوری

در زمان حاکمیت ظاهرشاه آن‌چه که اهمیت دارد ظهور دوربین‌های صندوقی چوبی است که به دوربین فوری شهرت دارد و باعث گسترش بی‌سابقه عکاسی شد. این دوربین بسیار ارزان و ساده بود روی سه پایه قرار می‌گرفت و لنز آن در یک صندوق چوبی قرار داشته و می‌توانسته روی کاغذ، عکس‌های سیاه و سفید را در چند دقیقه چاپ کند. این دوربین را از هند به افغانستان آوردند، ولی برخی نیز گفته‌اند که برای





در زمان حاکمیت ظاهر شاه آن چه که اهمیت دارد ظهور دوربین‌های صندوقی چوبی است که به دوربین فوری شهرت دارد و باعث گسترش بی‌سابقه عکاسی شد. این دوربین بسیار ارزان و ساده بود روی سه پایه قرار می‌گرفت و لنز آن در یک صندوق چوبی قرار داشته و می‌توانسته روی کاغذ، عکس‌های سیاه و سفید را در چند دقیقه چاپ کند.



اولین باری که تاجر یهودی این دوربین را در افغانستان وارد کرده است. باید گفت در تکثیر دوربین فوری شخصی به نام «افندی» که عکاس مشهور و از شاگردان مأمور محمدشاه بود نقش به‌سزا داشت.

### آموزش دوربین فوری

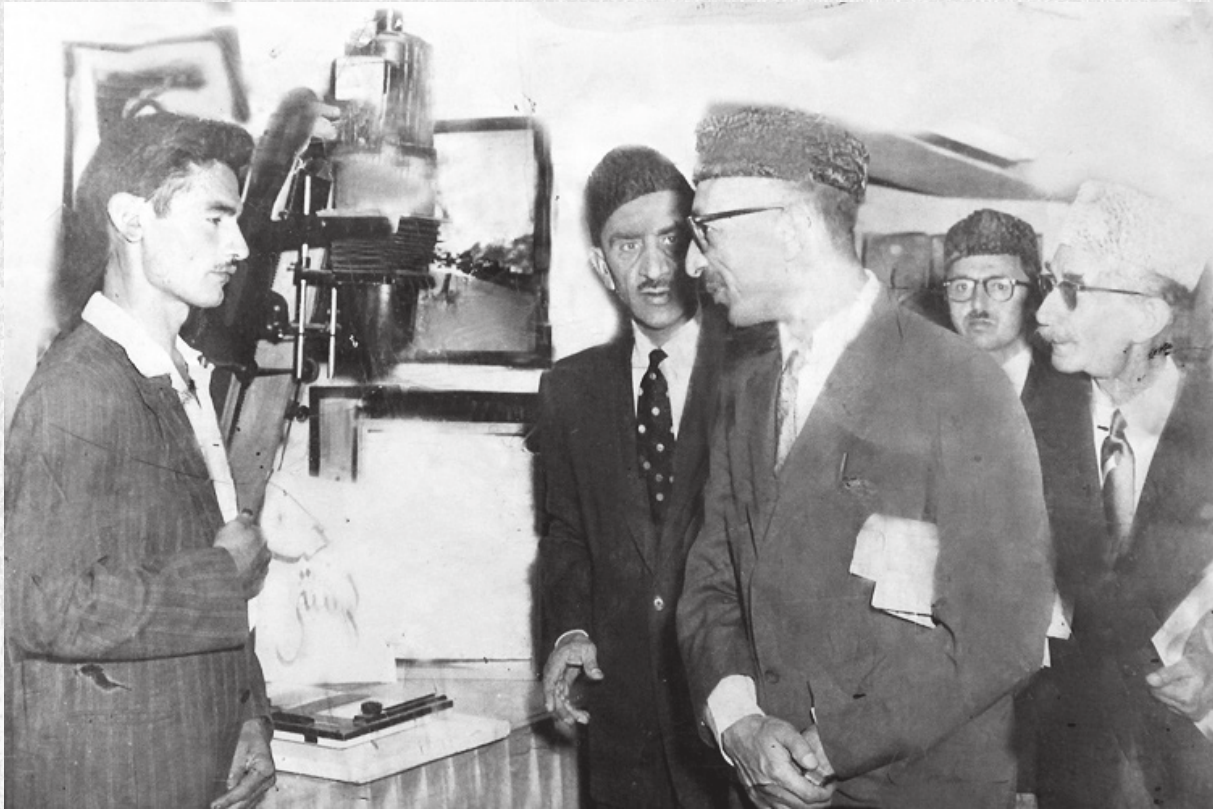
فراگیری این نوع دوربین در اواسط دهه ۱۹۵۰ اتفاق افتاد، زمانی که دولت تصمیم گرفت تذکره با عکس صادر کند. به این منظور، دولت آقای افندی را که تا آن زمان بیشتر در عکاسخانه سعادت، در جاده میوند مشغول بود، استخدام کرد تا گروهی را جهت کار با دوربین فوری آموزش دهد و آن‌ها با مأمورین توزیع تذکره به ولایات سفر کنند. ظهور این تکنولوژی نوین، به خصوص در قریه‌ها و ولایات افغانستان یک اتفاق بسیار عجیب بود. در این رابطه خلیفه حاج نادر بامیانی می‌گوید: حاج ناظر حسین مرحوم، معروف به حاجی عکاس از یکوالنگ، در کابل عسکر بود. وقتی که آقای افندی کرس عکاسی را از طرف دولت برگزار می‌کند. او در آنجا عکاسی را آموزش می‌بیند. بعد از فراگیری هنر عکاسی با مأمورین توزیع تذکره در غور فرستاده می‌شود و خودش به عنوان استاد هفت نفر را به نام‌های خلیفه غلام، خلیفه اسحاق، احمد خان، خلیفه مدارعلی، خلیفه اکبر، سعیدعلی و خودم (حاجی نادر) را آموزش داد. وقتی که ما خوب هنر عکاسی را فرا گرفتیم خودش در مرکز بود. ما را در هفت منطقه غور روانه کرد. به خاطر توزیع تذکره از مردم عکس می‌گرفتیم و برای خود ما و مردم یک چیز بسیار نو و جدید بود و عین همین برنامه در باقی ولایات افغانستان اجرا شد. در بامیان یک نفر قادر نام آمد که او هم مثل حاجی عکاس مرحوم در نزد افندی عکاسی را آموزش دیده بود و افرادی را آموزش داد و در منطقه جهت توزیع تذکره روانه کرد.

### عکاسخانه

حاجی خلیفه نادر بامیانی در رابطه با عکاسخانه‌ها می‌گوید: «بعد

از توزیع تذکره اکثر کسانی که هنر عکاسی را آموخته بود؛ در مناطق مختلف عکاسخانه باز کردند. شروع عکاسخانه‌ها تا جایی که من می‌دانم در سه ولایت؛ غور، بامیان و ارزگان، بعد از توزیع تذکره است؛ از مرکز و باقی ولایات آگاهی ندارم و خودم وقتی از غور برگشتم تا سال ۱۳۶۵ در بامیان عکاسخانه داشتم. زمانی که دوربین‌های بسیار پیشرفته و رنگه وارد بازار عکاسی شد، نتوانستم رقابت کنم و عکاسخانه را جمع کردم. به گفته بامیانی با وارد شدن دوربین‌های پیشرفته و رشد هنر عکاسی و نیازمندی‌های جامعه در هنر عکاسی دولت در رابطه با عکاسی سرمایه‌گذاری می‌کند. در کتاب راهنمای کابل چاپ ۱۳۴۳ به این صورت آمده است: «در وزارت اطلاعات و کلتور مدیریت عمومی عکاسی با تشکیلات وسیع سامان و وسایل مکفی و استودیوهای مکمل به سیستم عصری وجود دارد (و) در ریاست آژانس باختر نیز شعبه عکاسی دایر است که اغلب عکاسی‌های آن زیب صفحات روزنامه و جراید مرکز می‌شود. در صدارت عظمی، در وزارت داخله، در پوهنتون کابل، در قومندانی امنیه و اکثر وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات عرفانی و اداری شعبات عکاسی در تشکیل آن وجود داشته و توسط عکاسان ماهر احتیاجات خویش را رفع می‌کنند. هم‌چنین در شهر کابل به تعداد تقریباً پنجاه عکاسخانه معتبر درجه اول و یک تعداد عکاس درجه دوم و بیش از صد پایه دوربین‌های فوری و ضروری وارد ساحه عمل بوده و احتیاجات مردم را رفع می‌نمایند (و) ساز جمله عکاسخانه‌های مشهور و معتبر کابل عکاسخانه رنا واقع جاده میوند، عکاسخانه افغان، عکاسخانه گل محمد و عکاسخانه‌های بهزاد، پشتون، ملی آرین، رامپیرکاش و پامیر را نام برد» (غرغنبست، ۱۳۴۳: ۳۰۹). از متن بالا دانسته می‌شود که دولت جهت مستندسازی مدارکش در رشد صنعت عکاسی کمک کرده است.

فراگیری این نوع دوربین در اواسط دهه ۱۹۵۰ اتفاق افتاد، زمانی که دولت تصمیم گرفت تا شناسنامه یا تذکره را با عکس صادر کند. پیش از



طرف مؤسسات رسمی و شوقی‌های کابل به کار افتاده و عکس‌های جالب و تاریخی برداشته و در استودیوهای عکاسی فیلم آن شسته و بعد چاپ می‌شود.» (غرغبت، ۱۳۴۳: ۳۰۸). از این گزارش که از راهنمای کابل و مدارک دیگری استفاده شده است، نتیجه می‌گیریم که صنعت عکاسی همانند باقی پدیده‌های مدرن با حضور خارجی‌ها در این سرزمین راه پیدا کرده است و دربار و شخص حبیب‌الله خان از آن استقبال کرده و به عکاسی پرداخته است. به خاطر همین علاقمندی بوده که عکس‌های زیادی از او و همسرانش به جا مانده است.

آن تذکره‌ها بدون عکس و فقط با نشان انگشت صادر می‌شدند. به این منظور، دولت، افندی را، که تا آن زمان بیشتر در عکاسخانه سعادت، در جاده میوند مشغول بود، استخدام کرد تا گروهی را جهت کار با دوربین فوری آموزش دهد و آن‌ها با مأمورین توزیع شناسنامه به ولایت‌ها سفر کنند. ظهور این تکنولوژی نوین، به خصوص در قریه‌ها و ولایات افغانستان یک اتفاق بسیار عجیب بود که عامل توسعه هنر عکاسی و انکشاف عکاسخانه‌ها شد.

«هنر عکاسی و عکس‌برداری در مرور ایام پیشرفت نموده و ساحه آن وسعت یافت. هنر عکاسی و عکس‌برداری مطابق به سیر پیشرفت مدنیت و ترقیات روزافزون در امور مختلفه حیاتی مردم به حیث یک احتیاج مبرم شهریان موجوده کابل قرار گرفته است. مثلاً امروز هیچ وثایق شرعی از دعوا گرفته تا به خرید و فروش جای‌داد بدون عکس مورد قبول واقع نمی‌گردد. ورقه هویت (تذکره نفوس)، پاسپورت، شمول اطفال در مکتب، سوانح مأمورین، کوپون و سایر تصدیق و جوازنامه‌ها، کارت‌های بیمه و غیره عموماً بدون عکس پذیرفته نمی‌شود از محافل و مجالس رسمی و خصوصی، از دعوت‌ها، عروسی‌ها و سایر مراسم اکثراً عکس‌برداری می‌شود. در جشن‌ها و میله‌ها و انعقاد کنفرانس‌ها، سمینارها، فستیوال‌ها و غیره به صدها دوربین عکاسی از

#### منابع

- قدرت، محمدنعیم، سیاه و سفید، حقایق تاریخی از چشم‌انداز تصویر، جلد اول، کابل، بی‌نا، ۱۳۹۳.
- خلیلی و شفایی، نبی و احمد، تاریخچه عکاسی افغانستان، ۲۰۱۴، مؤسسه مطالعات توسعه و صلح افغانستان.
- غرغبت، محمدناصر، راهنمای کابل: مطبوعه دولتی، سنبله ۱۳۴۵
- کاتب، فیض‌محمد، سراج‌التواریخ، جلد چهارم، بخش دوم، کابل: انتشارات امیری.
- طنین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، تهران: نشر عرفان، ۱۳۸۴، چاپ دوم.
- گریگورین، وارتان، ظهور افغانستان نوین ترجمه: علی‌عالمی کرمانی، علی، تهران: عرفان، ۱۳۸۸.